

پژوهش کیفی پیامدهای رابطه خارج از ازدواج دختران جوان با جنس مخالف

منصور فتحی^۱

محمدتقی کرمی قهی^۲

مرضیه پوراسمعیلی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۱۱

با توجه به روند رو به رشد روابط خارج از ازدواج دختران با جنس مخالف در سال های اخیر، پژوهش حاضر با هدف فهم عمیق تجربه زیسته دختران از پیامدهای این نوع رابطه صورت گرفته است. روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی است. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و در نظر گرفتن ملاک اشباع نظری، با ۳۰ دختر ۱۸ تا ۳۱ سال ساکن شهر تهران مصاحبه به عمل آمد. جهت گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختارمند و تحلیل آن ها از تحلیل مضمونی یا تماتیک بهره گرفته شد. یافته های این پژوهش در ۴ طبقه اصلی شامل «چالش های درون رابطه»، «چالش های بیرون رابطه»، «رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی» و «تعلیق خود» طبقه بندی شدند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش می توان نتیجه گرفت که رابطه با جنس مخالف افزون بر کسب تجربه و افزایش شناخت نسبت به جنس مخالف، بدبینی به جنس مخالف، ترس از برقراری رابطه و مشکلات جسمی و روحی را برای دختران به همراه داشته است.

واژگان کلیدی: دختران، روابط جنسی پیش از ازدواج، هنجارشکنی، رابطه با جنس مخالف و تجربه زیسته

۱ - استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲ - دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳ - کارشناس ارشد، مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

ارتباط با جنس مخالف که زمینه ساز ازدواج و تشکیل خانواده است، در زمره قدیمی ترین روابط بشری است. از جمله مسائل نوپدید که در سال های اخیر توجه محققان را به خود جلب کرده است، تغییر الگوهای ارزشی در زمینه برقراری رابطه با جنس مخالف و معاشرت های پیش از ازدواج است.

علی رغم تغییرات وسیع جامعه به ویژه در حوزه فرهنگ و افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج در بین جوانان در چند سال اخیر، باید در نظر داشت که هنوز هم عدم ایجاد این نوع روابط با جنس مخالف از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و تغییرات به وجود آمده در بین جوانان نتوانسته است از اهمیت این مسئله در بین خانواده ها و نسل های پیشین بکاهد. با وجود این، نمی توان این مسئله را از نظر دور داشت که گسترش روابط پیش از ازدواج جوانان با جنس مخالف بی تاثیر بوده است، چرا که همه این تغییر و تحولات شرایطی را ایجاد کرده اند که دختران نیز مانند پسران دست به تجربه های جدید و پنهان در حوزه روابط شخصی خود با جنس مخالف زده و باز تعریفی جدید و متفاوت درباره این موضوع کماکان حائز اهمیت به دست داده اند (ذکایی، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

به اعتقاد متخصصان و صاحب نظران در حوزه علوم اجتماعی، روابط جنسی پیش از ازدواج به سرعت در حال افزایش است و این خود زمینه ساز بروز بحرانی فراگیر شده است. شکل گیری این نوع از روابط به صورت پنهان و به دور از نظارت والدین سبب بروز و گسترش روابط جنسی در بین جوانان شده است که نه تنها بر روابط امروز آنها، بلکه بر روابط پیش رو در آینده نیز تأثیرگذار خواهد بود و مهم تر از آن عاملی در شکل گیری موج سوم ایدز در ایران است (بهرزویان و حسنوند، ۱۳۹۵: ۱۸۹). در گذشته کمتر شاهد هنجارشکنی در این حوزه بودیم، اما امروزه شاهد نوعی دوگانگی و تناقض نسبت به این مسئله هستیم. از جمله دلایل وقوع این امر می توان به تغییر ارزش ها در بین جوانان، تغییرات بین نسلی، تغییرات فرهنگی که خود به دلایل متعدد از جمله دسترسی بیشتر به رسانه ها و استفاده گسترده تر از فضای مجازی اتفاق می افتد، اشاره کرد. به علاوه، تعامل با جنس مخالف نیز افزایش پیدا کرده است و موجب پیدایش سبک های جدیدی از زندگی از جمله همباشی یا هم خانگی شده است که با فرهنگ دینی، سنتی و عرفی جامعه ما همخوانی ندارد. در این بین، پرداختن به مسائل مربوط به روابط بین دو جنس با توجه به تغییرات گسترده و چشمگیر در این حوزه در سال های اخیر از این جهت حائز اهمیت است که کشور ما نیز به عنوان یکی از جوامعی که در تعامل تنگاتنگ و مداوم با دنیای مدرن قرار دارد، از این رهگذر دستخوش

تغییرات غیر قابل انکاری شده است (آزاد ارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰: ۴۳۹-۴۳۵). از آنجا که در کشور ما قوانین و ارزش های دینی و سنتی حکمفرما هستند و در آن ها چهارچوب تعریف شده ای برای رفتار متقابل بین دو جنس و نحوه عملکرد جنسی افراد به ویژه تاکید بر حیا و عفت جنسی زنان تعیین شده است و همچنین با توجه به اینکه نحوه برخورد با این مسئله از نگاه دینی شکل دهنده قوانین مربوط به آن در اداره جامعه و تعیین کننده رفتارهای افراد آن اجتماع می باشد، بنابراین فهم تجربه دختران دارای سابقه روابط جنسی پیش از ازدواج با جنس مخالف از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در بین جوانانی که به دنبال ارضای نیازهای جنسی خود خارج از چهارچوب ازدواج هستند، تجربه دختران دارای این نوع از روابط در مقایسه با پسران کاملاً متفاوت و بسیار پیچیده تر است؛ به این معنا که دخترانی که وارد این نوع از روابط می شوند به دلیل عدم پذیرش و ممنوعیت بیشتر آن از طرف جامعه و خانواده دچار احساسات منفی بیشتری می شوند و این مسئله تاثیر به سزایی در روح و روان این دختران بر جای می گذارد. پیامدهای این نوع روابط تنها به بعد عاطفی محدود نشده و ابعاد دیگری همچون پیامدهای روانی، اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و غیره را نیز در برمی گیرد. در کنار پیامدهای منفی، این نوع از روابط می تواند در جهت بلوغ فکری، روانی و اجتماعی افراد نیز موثر واقع شوند (خلج آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹-۱۱). بنابراین از آنجا که افراد در موقعیت های مختلف رفتارهای متفاوتی را از خود بروز می دهند، این نحوه مواجهه بسته به تجربه و شخصیت فرد متفاوت خواهد بود؛ به این معنا که همین امر سبب به کارگیری استراتژی ها و راهکارهای گوناگونی در افراد شده و به نوعی با ایجاد خلاقیت موجب تشخیص دهی به افراد می شود.

گسترش این نوع از روابط به همراه خود مسائل و مشکلاتی را برای دختران در زندگی کنونی و آینده شان به وجود آورده است. از جمله می توان به دغدغه این دختران برای ترمیم پرده بکارت و هزینه ای که در اثر این مسئله گریبان گیر آن ها می شود، افزایش پنهان کاری و فریب در جامعه جهت اقدام به ازدواج، خوردن برچسب منحرف، افزایش سن ازدواج، ایجاد دلهره و نگرانی جهت تشکیل زندگی مشترک و مسائلی که پس از آن به وجود می آیند از جمله ترس از پی بردن همسر و یا خانواده همسر به روابط جنسی پیش از ازدواج و لکه دار شدن آبروی دختر و خانواده اش پس از اطلاع دیگران نسبت به این موضوع، از دست رفتن زندگی مشترک پس از آگاهی نسبت به این مسئله و در موارد شدید و در اثر عصبیت های قومی موجود در بعضی از خانواده های ایرانی اقدام به قتل وی برای پاک کردن لکه این ننگ اشاره کرد. بنابراین

پرداختن به مسئله روابط جنسی پیش از ازدواج از این جهت که زندگی دختران جامعه ما را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده، حائز اهمیت بسیار است.

مسئله برقراری رابطه با جنس مخالف، موضوعی است که صرفاً مسئله فردی و دغدغه دختران نیست، بلکه این موضوع برای پسران و خانواده هایشان در هنگام ازدواج همچنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به همین جهت پرداختن به مسائل خاص دختران و درک و فهم تجارب زیسته آن ها بسیار دارای اهمیت است، به خصوص که این مسئله به تشکیل خانواده و استحکام بنیان آن ارتباط ویژه ای پیدا می کند. ضرورت انجام این گونه پژوهش ها از آنجا ناشی می شود که جوانانی که درگیر روابط جنسی پیش از ازدواج می شوند معمولاً از دریافت اطلاعات کافی و خدمات مناسب برای محافظت از خود در برابر خطراتی چون بارداری های ناخواسته و سقط جنین و همچنین بیماری های مقاربتی از جمله ایدز، هپاتیت و غیره در جامعه محروم می باشند. در نتیجه بیشتر احتمال دارد که این گونه جوانان در معرض پیامدهای جسمانی و عواقب روانی ناشی از روابط محافظت نشده پیش از ازدواج و خشونت های جنسی متعاقب آن قرار گیرند که اینها همگی خود به علت حساسیت های فرهنگی و مذهبی باور غالب در جامعه به وقوع می پیوندد. کمبود تحقیقات مرتبط در این زمینه سبب شده است که مسئولان ذی ربط تمامی اشکال روابط جنسی پیش از ازدواج در سال های اخیر را به یک دیده بنگرند و متعاقب آن از دادن راهکارهای مناسب و درک پیچیدگی های حاکم بر واقعیت های اجتماعی عاجز شوند و در نتیجه آن درک خاستگاه های برآمده از این گونه روابط را در نیابند. بنابراین عدم شناخت دقیق از این گونه مسائل و معضلات اجتماعی سبب می شود که راه های تشخیص و درمان آنها نیز با بن بست مواجه شود (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵).

پرداختن به پیامدهای روابط جنسی پیش از ازدواج از این جهت که زندگی دختران و نیز نهاد خانواده را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده، حائز اهمیت است. از آنجا که این مسئله در سال های اخیر شیوع بیشتری پیدا کرده، ولی پژوهش های اندکی در این زمینه صورت گرفته، ضرورت پرداختن به این موضوع، آسیب شناسی این نوع روابط و بررسی ابعاد گوناگون آن به ویژه تأکید بر بعد نامتعارف و تابو بودن آن که هنوز هم از اهمیت بسیار بالایی در جامعه ما برخوردار است، دو چندان می نماید. پژوهش حاضر با هدف فهم عمیق تجربه زیسته دختران از رابطه جنسی خارج از ازدواج و پیامدهای این نوع رابطه صورت گرفت. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال اصلی است که دختران جوان دارای سابقه رابطه با جنس مخالف چه تجربه ای در این زمینه دارند و با چه پیامدهایی مواجه هستند؟

پیشینه پژوهش

بر اساس نظر یکی از داوران محترم، پژوهش‌ها بر اساس جدیدترین به قدیم تر و همچنین تفکیک داخلی و خارجی ارایه شده است.

کوساسلان او یک و همکاران در سال ۲۰۱۶ در ترکیه حقیقی با عنوان «تعیین دانش سلامت دانش آموزان مدارس، نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با سلامت جنسی در شرق ترکیه» انجام دادند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که ۸ درصد از دختران و ۳۵/۱ درصد از پسران فعالیت‌های جنسی داشته‌اند. دانش سلامت جنسی دانش آموزان مدارس ناکافی بوده و رفتارها و نگرش‌های آن‌ها تحت تاثیر دیدگاه‌های سنتی و فهم تمایلات جنسی در بین دو جنس متفاوت بوده است.

نتایج مطالعه یپ^۱ و دیگران (۲۰۱۳) بر روی ۱۲۶ جوان ۱۷ تا ۲۷ ساله ازدواج نکرده هنگ کنگی نشان می‌دهد که اغلب آن‌ها (۶۳/۸ درصد) نگرش سهل‌گیرانه^۲ به روابط جنسی پیش از ازدواج داشتند. حدود ۶۰ درصد نگرش محافظه‌کارانه^۳ درباره علت روابط جنسی و پارتنرهای متعدد جنسی داشتند. مردان نگرش‌های سهل‌گیرانه بیشتری نسبت به زنان در مورد رفتارهای پرخطر جنسی داشتند. نتایج رگسیون لجستیک نشان می‌دهد بالا رفتن سن، فرزند طلاق بودن، ادامه تحصیل ندادن و داشتن نگرش‌های سهل‌گیرانه و لیبرال احتمال درگیری در روابط جنسی پیش از ازدواج یا رفتارهای پرخطر جنسی را افزایش می‌دهد.

نتایج پژوهش صالح^۴ و دیگران (۲۰۱۲) که بر روی در نوجوانان مالزی انجام گرفت، نشان داد که داشتن نگرش‌های مجاز^۵ به روابط جنسی پیش از ازدواج و اعتقادات مذهبی ضعیف، خطر درگیری در روابط جنسی را افزایش می‌دهد.

نتایج مطالعه سانتیا و همکاران (۲۰۰۹) با عنوان «روابط جنسی پیش از ازدواج در بین جوانان هند» نشان می‌دهد که برخلاف تابوهای اجتماعی- فرهنگی، جوانان در هند به رفتارهای جنسی پیش از ازدواج روی آورده‌اند و اغلب جوانان درگیر در این نوع از روابط، اطلاعات بسیار کمی در زمینه مسائل جنسی داشته‌اند.

^۱ . Yip

^۲ . liberal attitudes

^۳ . conservative attitudes

^۴ . Salleh

^۵ . permissive attitudes

نتایج مطالعه زاهدی اصل و دیگران (۱۳۹۷) با عنوان «تجارب و چالش های دختران دارای سابقه هم خانگی یا همباشی» که به روش پدیدارشناسی انجام گرفته نشان می دهد که افراد مشارکت کننده در کنار احساس برابری جنسیتی و استقلال و آزادی عمل بیشتر و تغییر نگرش به نقش های جنسیتی، با چالش های جدی از جمله: انگ و طرد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی، احساس ناامنی، رفتارهای پرخطر (مصرف مواد و سیگار و...) و خشونت مواجه بودند.

فرا تحلیل خلج آبادی فراهانی (۱۳۹۵) با عنوان «روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان در ۱۵ سال گذشته (۱۳۹۴-۱۳۸۰) در ایران» نشان می دهد که شیوع روابط جنسی پیش از ازدواج در تهران ۲۲/۵ درصد و در سایر استان ها ۱۴/۷ درصد برآورد شده است. بر اساس این مطالعه، حدود یک ششم جوانان در معرض ابتلای به خطرات سلامتی (بیماری ها) و اجتماعی (افزایش سن ازدواج) ناشی از این نوع از روابط هستند.

ذکایی و شرعی نژاد (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «روابط جنسی پیش از ازدواج در میان جوانان؛ الگوها، انگیزه ها، پاداش ها و هزینه ها» انجام دادند. این پژوهش به روش کیفی و تحلیل آن تماتیک انجام گرفته است. براساس نمونه گیری هدفمند با ۲۴ نفر از دختران و پسران طبقه متوسط ساکن شهر تهران مصاحبه به عمل آمد. براساس نتایج حاصله از پژوهش، آنچه دختران در رابطه به ترتیب اهمیت در پی کسب آن هستند شامل ازدواج، تامین نیازهای عاطفی، جنسی، فراغتی و مالی بوده و در ازای آن هزینه هایی همچون فرصت سوزی، تاریخ انقضا و سوء پیشینه را می پردازند. در مقابل، پسران نیز به دنبال تامین نیازهای جنسی و عاطفی و به تاخیر انداختن ازدواج هستند و در ازای آن متحمل هزینه کردن سرمایه اقتصادی و وقت و انرژی هستند. از آنجا که منافع و مضرات رابطه برای دختران بیشتر، پیچیده تر و به هم مرتبط هستند، از این رو، تصمیم جهت برقرار کردن رابطه و ورود به آن برای آن ها با ملاحظات و حساسیت های بیشتر ارزشی، هنجاری و اخلاقی همراه است.

بهروزیان و حسنونند (۱۳۹۵) مطالعه ای با عنوان «بازسازی معنایی روابط جنسی پیش از ازدواج به روش نظریه زمینه ای» انجام دادند که هشت مقوله اصلی با عناوین وسایل جدید ارتباطی، فشار گروه های دوستان، رفتار فراغتی، هویت یابی جنسی، نیاز عاطفی (روابط عاشقانه)، روابط مبتنی بر عشق سیال، فرصت و امکان ارتباط و جابه جایی اهداف ارزشی به دست آمد. مقوله هسته ای در این پژوهش، «ارزش های رهایی بخش جنسی» است.

نتایج مطالعه کیفی ذوالفقاری و رضانی (۱۳۹۵) نشان می دهد که دختران در تعاملات جنسی بازاندیشی نموده اند. برخی از دختران مشارکت کننده برخلاف آموزه های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی، روابط جنسی خارج از چارچوب زناشویی را خارج از اشکال دانسته و عده دیگری نیز این نوع روابط را در صورتی که در بستر روابط عاشقانه معطوف به ازدواج باشد، درست می دانند.

اگرچه در تحقیقات انجام شده در خارج از ایران در مورد روابط جنسی پیش از ازدواج، شاهد تفاوت و تنوع بیشتر در حوزه روش شناسی و تکنیک های استفاده شده و جمعیت مورد مطالعه هستیم، اما چنین موضوعاتی باید در بستر و زمینه فرهنگی - اجتماعی خاص خود مورد مطالعه قرار گیرند؛ چرا که این نوع از موضوعات از فرهنگی به فرهنگ دیگر کاملاً متفاوت و متغیر بوده و در بسیاری از جوامع غربی و صنعتی پیشرفته دیگر دارای اهمیت پیشین نبوده و از ممنوعیتی بالا همچون کشورهای در حال توسعه و سنتی برخوردار نیستند.

بررسی های انجام شده در مورد موضوع مورد مطالعه نشانگر این است که بیشتر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه با توجه به حساسیت موضوع در فرهنگ و جامعه ایران از تعدد و تکرار بالایی برخوردار نیست. برای شناخت درست و فهم عمیق نسبت به این مسئله و درک جهان زیسته کنشگران و سوژه های فعال در این زمینه، به ویژه درک چگونگی عملکرد و دلایل دخیل برای دخترانی که دست به تجربه این نوع از روابط می زنند، با توجه به ممنوعیت، چند لایه بودن و پیچیدگی بیشتر این مسئله در رابطه با آن ها در جامعه ایران پژوهش های کیفی دارای ظرفیت و قابلیت فهم بهتری هستند. تجربه زیسته و جهان ذهنی کنشگران دختر کمتر مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است و این خود به اهمیت این مسئله با توجه به تغییرات فرهنگی و ارزشی صورت گرفته می افزاید.

چهار چوب مفهومی پژوهش

با توجه به اینکه در بررسی های کیفی از چهارچوب مفهومی صرفاً جهت افزایش حساسیت نظری محقق استفاده می شود و مانند بررسی های کمی از چهارچوب نظری استفاده نمی شود، بنابراین نظریاتی که در ذیل به آن ها اشاره خواهد شد، جهت فهم بهتر موضوع پژوهش و تبیین کارآمدتر آن به کار خواهند رفت. نظریه های بی سازمانی اجتماعی کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی، همچنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه های شهری است را باعث افزایش

جرایمی همچون: قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد می داند (احمدی، ۱۳۹۶). «علت واقعی تمام پدیده های مربوط به بی سازمانی خانوادگی را باید در نفوذ ارزش های جدید خاص چون رضای لذت جویانه خواهش های جنسی جستجو کرد. پدیده خاص بی سازمانی اجتماعی شامل اصلاح حتمی گرایش های پیشین تحت تأثیر ارزش های جدید است که به ظهور گرایش های نو یا کم و بیش متفاوت خواهند انجامید» (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۹۳: ۵۸). در حالی که در نظام گذشته افراد تحت تأثیر نگرش های جمع گرایانه به دنبال جامع عمل پوشاندن به تمایلات و آرزوهای خود بودند، در جامعه مدرن کنونی تنها نگرش های فردگرایانه اند که پاسخگوی نیازها و خواسته های انسان مدرن هستند. انسان مدرن جدا افتاده از جامعه تنها در قالب نگرش های فردگرایانه است که می تواند به ارزش های لذت جویانه، جنسی، اقتصادی و غیره خود پاسخ دهد. در نتیجه بی سازمانی خانواده به عنوان یک گروه اولیه، پیامد اجتناب ناپذیر تمدن جدید است.

«نظریه برچسب»، بر نقش برچسب هایی که بر فرد زده می شود تأکید می کند. از این رو شاید یکی از دلایلی که دختران دارای تجربه این نوع از روابط از بیان آن خودداری کرده و آن را از دید افراد پنهان نگاه می دارند این باشد که انگ و برچسب منحرف خورده می شوند و این مسئله خود سبب ادامه این چرخه خواهد شد و نه تنها جلوی صدمات وارده را نخواهد گرفت، بلکه در ارائه راه حل و راهکار نیز ناتوان خواهد ماند. بر طبق نظرات رادیکال فمینیست ها، زنان نیز حق دارند که بر نحوه استفاده از بدن خود و چگونگی برخورداری از سرمایه جنسی شان تسلط داشته باشند. از آنجا که جامعه ما نیز از گزند تغییرات اقتصادی - اجتماعی و به ویژه فرهنگی همچون سایر جوامع در امان نبوده است، بنابراین نحوه نگرش دختران جامعه ما در مورد تعامل با جنس مخالف و میزان پیش روی در آن با تأکید بر برخورداری از سرمایه جنسی خود نیز دچار تغییر و تحولات عمیقی گشته است. از این رو، تغییر در ارزش ها و نگرش های دختران جامعه ما نسبت به مسئله باکرگی و تجربه روابط جنسی پیش از ازدواج بی تاثیر از نظریات فمینیستی به ویژه رادیکال فمینیست ها نبوده است. براساس نظر رونالد اینگلهارت^۱ توسعه اقتصادی منجر به ایجاد تحول در ارزش های فرهنگی می شود و این امر خود منجر به جایگزینی ارزش های فرامادی (آزادی، ابراز عقیده و ...) به جای ارزش های مادی (پول و ثروت) خواهد شد. اینگلهارت بیان می دارد که پس از ظهور الگوهای متفاوت اقتصادی و سیاسی، نشانه های تغییرات فرهنگی را می توان در زوال گرایش

^۱ Ronald Inglehart

های مذهبی سنتی و هنجارهای اجتماعی و جنسی مشاهده کرد. بر این اساس می توان حرکت نظام فرهنگی از سنتی به مدرن و سپس فراتر از مدرن که از جمله عمومی ترین جهت گیری ها در تغییرات فرهنگی است، مشاهده کرد. از این رو، توجیه افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج در بین جوانان و کم رنگ شدن باکرگی به عنوان هنجاری ارزشمند در بین دختران قابل فهم تر می شود (آزاد ارمکی و مسقطیان، ۱۳۸۰: ۲۱-۱۸).

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع پدیدارشناسی است و برای تحلیل داده ها از تحلیل مضمون یا تماتیک بهره گرفته شد. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی و در نظر گرفتن ملاک اشباع اطلاعات، ۳۰ دختر ۱۸ تا ۳۱ سال ساکن شهر تهران که ویژگی های ورود به مطالعه را داشتند (دارای حداقل یک بار رابطه جنسی پیش از ازدواج و شرکت آگاهانه و با رضایت در پژوهش) در این پژوهش شرکت نمودند. در نمونه گیری هدفمند، نمونه گیری تا جایی ادامه پیدا می کند که داده ها به حد اشباع برسند و این از طریق تکراری شدن اطلاعات دریافتی مشخص می شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۲۹۲). ابزار جمع آوری اطلاعات، مصاحبه عمیق فردی و نیمه ساختار یافته بود که طی آن شرکت کنندگان تجربه خود از پیامدهای روابط نامتعارف جنسی پیش از ازدواج شان را به تفصیل بیان داشتند. مدت مصاحبه ها بین ۳۰ تا ۸۰ دقیقه بود. اطلاعات جمع آوری شده براساس سوالات و اهداف پژوهش و با استفاده از شیوه تحلیل مضمونی یا تماتیک مقوله بندی شده و در ارتباط با هم مورد تحلیل قرار گرفتند. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد^۱، از سه تکنیک متعارف و مرسوم زیر استفاده گردید (کوال و برینکمن^۲، ۲۰۰۹): مقایسه های تحلیلی: در این روش به داده های خام رجوع و مقوله ها و مفاهیم به دست آمده با داده های خام مقایسه و ارزیابی گردید.

استفاده از تکنیک ممیزی: در این زمینه سه متخصص در حوزه تحلیل تماتیک، بر مراحل مختلف مفهوم سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

بازبینی توسط مشارکت کنندگان: مفاهیم و مقولات به دست آمده در اختیار برخی از دختران شرکت کننده قرار گرفت و آن ها تایید نمودند.

۱ . Trustworthiness

۲ . Kvale & Brinkmann

در ابتدای مصاحبه در مورد هدف پژوهش، حفظ گمنامی و محرمانه بودن اطلاعات، اختیاری بودن شرکت در مطالعه و برخورداری از حق کناره گیری از پژوهش به مشارکت کنندگان توضیح داده شد. به منظور ضبط مصاحبه ها قبل از شروع مصاحبه، از مشارکت کنندگان اجازه گرفته شد و همچنین رضایت خود را از انتشار نتایج پژوهش اعلام نمودند. داده های خام مطالعه در جای امنی نگه داری شد و تنها برای تیم تحقیق قابل دسترسی بود.

یافته های پژوهش

از نظر سطح سواد، ۲۶ نفر دارای مدرک کارشناسی و ۴ نفر کارشناسی ارشد هستند. از این تعداد ۱۸ نفر شاغل و ۱۲ نفر غیر شاغل هستند. همچنین از این تعداد ۱۶ نفر با خانواده، ۸ نفر ساکن خوابگاه و ۶ نفر دارای خانه مستقل می باشند. در این پژوهش بعد از گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه به دسته بندی طبقات اصلی، طبقات فرعی و کدها پرداخته شد که در ادامه به آن ها اشاره می گردد.

• رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی

ورود به هر ارتباطی دارای جنبه های مثبت و منفی بسیاری است که این مسئله خود می تواند سبب پیشرفت رابطه مورد نظر در کنار کنشگران موجود در رابطه شود و به مثابه امکانی جهت شکوفایی تلقی شود و یا موجب رکود رابطه و کنشگران حاضر در رابطه شود. شرکت کنندگان در پژوهش حاضر علاوه بر بیان پیامدهای منفی رابطه به بیان پیامدهای مثبتی نیز اشاره کرده اند.

جدول ۱: رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی

کدها	طبقه فرعی	طبقه اصلی
اهمیت دادن به بدن	رشد فردگرایی	رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی
لذت فردی		
عدم پایبندی به باورهای سنتی و مقابله با آن		
کسب مهارت در برقراری ارتباط با جنس مخالف	افزایش شناخت خود و جنس مخالف	
کسب تجربه و بلوغ فکری		
شناخت جنس مخالف		

رشد فردگرایی

در دهه های اخیر شاهد تغییر نگرش زنان نسبت به مقوله بدن و لذت فردی بوده ایم؛ به طوری که امروز زنان نیز مانند مردان برای خود حقی نسبت به مالکیت بر بدن خود قائل هستند و در این زمینه عاملان

برخورد می کنند و نه تنها در مورد نوع و نحوه پوشش، آرایش کردن، عمل های زیبایی و غیره دست به هنجارشکنی زده اند، بلکه در زمینه هایی که پیش از این به عنوان مسائل ممنوعه و تابو در نظر گرفته می شدند نیز ساختارها و هنجارهای موجود را به چالش کشیده اند. در واقع از آنجا که برقراری رابطه جنسی در حوزه مسائل شخصی دسته بندی می شود، زنان نیز مانند مردان برای خود این حق را قائل شده اند و تصمیم گیری در این زمینه را در حیطه اختیارات خود در نظر می گیرند.

«ببین چون که بدن اولین چیزیه که تو باهاش برخورد داری دیگه بنابراین تو باید نسبت بهش عاملانه برخورد کنی و نه به شکل منفعل، نباید بذاری که بقیه نسبت به بدن تو تصمیم بگیرن و به تو بگن که حالا تو در مورد بدن خودت چه کاری بکنی و چه کاری نکنی. رابطه جنسی داشتن من به بقیه هیچ ربطی نداره و این یک مساله شخصی است (شرکت کننده شماره ۴)».

افزایش شناخت خود و جنس مخالف

یکی از پیامدها و دستاوردهای مثبت حاصل از برقراری ارتباط با جنس مخالف می تواند رسیدن به شناخت نسبت به خود و دیگری و یا رشد و بلوغ فکری برای فرد باشد. افراد در حین تجربه رابطه با دیگری به ابعاد وجودی مثبت و منفی خود پی می برند و از این طریق می توانند جهت تقویت نقاط مثبت و یا رفع نواقص خود و حتی دیگری اقدام کنند. در پژوهش حاضر و براساس متن مصاحبه ها شرکت کنندگان در پژوهش به افزایش اعتماد به نفس جهت ارتباط با جنس مخالف، کسب تجربه، برخورد منطقی و معقول با رابطه، رشد فکری، اجتماعی و غیره به عنوان پیامدهای مثبت حاصل از رابطه اشاره کرده اند.

«به نظر من خیلی تأثیر مثبت داشته، چون آدم شناسی من رو قوی کرده. من اگه نداشتم الان مثل یه دختر ۱۸ ساله بودم، از لحاظ مغزی می گم ها حالا شاید سنم رفته باشه بالا، شاید از لحاظ اجتماعی حالا یه تجربه هایی، ولی واقعا از لحاظ جنس مخالف به هیچ دیدگاهی نمی رسیدم. الان نه، الان وقتی یه مرد باهام حرف می زنه تا تهش رو می تونم بخونم که اون داستانش چیه، چی می خواد ازم. چون رابطه جنسی رو تجربه کردم انقدر احساس می کنم شناخت پیدا کردم (شرکت کننده شماره ۱۵)».

• مشکلات و چالش های درون رابطه

برقراری هر نوع رابطه، مستلزم وجود عواملی است که این عوامل می توانند مربوط به خود افراد درگیر در رابطه باشند و یا عواملی که از بیرون و خارج از رابطه بر کیفیت آن و نحوه تعامل کنش گران تاثیر می گذارند. برای مثال، می توان به عوامل داخلی از جمله ویژگی های شخصیتی و رفتاری فرد اشاره کرد

که خود متأثر از محیط تربیتی است که فرد در آن رشد پیدا کرده و شخصیتش شکل گرفته است و یا به عوامل خارجی که از بیرون وارد شده و بر کیفیت رابطه اثر می گذارند اشاره کرد، از جمله: خانواده، دوستان و غیره. باید در نظر داشت که هر رابطه ای به همراه خود چالش ها و مشکلاتی را به بار می آورد و هیچ رابطه ای بدون وجود مشکل نیست. برقراری رابطه با جنس مخالف در قالب روابط گذارا و ناپایدار دوست پسر و دوست دختری دارای چالش ها و مشکلات خاص خود است.

جدول ۲: چالش های درون رابطه

کدها	طبقات فرعی	طبقه اصلی
اختلاف فکری، فرهنگی و غیره	عدم تفاهم	چالش های درون رابطه
عدم بلوغ فکری		
دعوا کردن		
پنهان کاری و دورغ	زوال رابطه	
خیانت		
تلاش نکردن برای حفظ رابطه		
غیرتی بودن (مردسالاری)	مالکیت مردانه	
دخالت بیش از حد		
احساس تملک		
رفتار کنترل گری		

عدم تفاهم

از جمله چالش های درون یک رابطه می توان به عدم تفاهم و تطابق طرفین در زمینه های گوناگون اشاره کرد که باعث بروز مشکلاتی برای کنشگران درگیر در رابطه می شود. در صورتی که این مشکلات جزئی بوده و از اهمیت بالایی برخوردار نباشند، به بدنه رابطه ضربه محکمی وارد نخواهد شد و با تلاش طرفین جهت رفع آن، مسئله حل خواهد شد. اما اگر مشکل برآمده از تفاوت های عمیق و بنیادین در زمینه مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره باشد می تواند در کیفیت و حتی موجودیت رابطه ایجاد مشکل کند و رابطه را به سمت اضمحلال سوق دهد.

«رابطه قبلیم که خب این آدم با اینکه ۳۰ سالش بود، اصلا بالغ نبود. یه پسر بچه شیطون شکست خورده ای که سر هر چیزی ناراحت می شد. جای من و اون عوض شده بود، اینکه همش ناز می کرد و ناز بکشی یا

اینکه کلا مقصر می خواست جلوه بده، اشتباه هاش رو قبول نمی کرد، دعوای این طوری زیاد داشتیم (شرکت کننده شماره ۱۶)».

«سر حرف الکی یهو سوء تفاهم بشه چه من چه اون و در نهایت باز مقصر من می شدم یا اگه شعورش می رسید گاهی معذرت خواهی می کرد، سر اشتباهی که کرده، یه مقدار نابالغ بود حالا نمی دونم شاید همه شون این طورین. تا حالا من هر پسری شناختم این طوری بوده (شرکت کننده شماره ۲۰)».

زوال رابطه

یکی دیگر از چالش ها و مشکلات درون رابطه به عدم صداقت و پنهان کاری، خیانت و حتی تلاش نکردن یا کمتر تلاش کردن یکی از طرفین برای پیشبرد رابطه باز می گردد؛ در حالی که طرف دیگر درگیر در رابطه برای حفظ ثبات و کیفیت رابطه تلاش بیشتری می کند. از نظر تعدادی از مشارکت کنندگان، مردان درگیر در این گونه از روابط به پایبندی و تعهد در رابطه اعتقاد چندانی نداشته و جهت حفظ آن تلاشی نمی کنند و این خود برآمده از فرهنگ حاکم بر جامعه سنتی است که این نوع از روابط را صرفا جهت گذران وقت و از سر کنجکاوی و یا تامین نیازهای جنسی کوتاه مدت می دانند. این در حالی است که دختران درگیر در این نوع از روابط به آن ها به چشم پلی جهت رسیدن به روابط بلند مدت و پایدار نگاه می کنند و از همین روست که برای حفظ کیفیت و ثبات رابطه تلاش بیشتری می کنند.

«درچند ماه اول رابطه مون با دوست دختر قبلیش یه جورایی ارتباط داشت. بعد خب من رفتم پیام رو خوندم و بعد دعوا شد. از اون موقع هی سر هر مسئله ای بحث پیش میاد، من اینو میگم که تو بهم خیانت کردی و خب پسرا تو ایران اکثرا این طورین که خب دوست دخترمه زنم که نیست که حالا بخوام بهش اون قد وفادار باشم(شرکت کننده شماره ۲۶)».

مالکیت مردانه

با وجود مدرن بودن این نوع از روابط هنوز هم شاهد تاثیر فرهنگ غالب که همان فرهنگ مردسالار حاکم بر جامعه است، می باشیم و این خود به وضوح تقابل بین سنت و مدرنیته را به نمایش می گذارد؛ به این معنی که مردان درگیر در این نوع از روابط با وجود علم و آگاهی در مورد جایگاه خود به عنوان دوست پسر باز هم تحت تاثیر فرهنگ و شیوه تربیتی، حیطه اثرگذاری و نفوذ خود را به عنوان همسر ارتقا داده و

در تمامی حوزه های شخصی و غیر شخصی طرف درگیر در رابطه که به عنوان دوست دختر تعریف شده است، دخالت می کنند. این مسئله خود نشان از این دارد که با وجود افزایش این نوع از روابط در سطوح مختلف جامعه هنوز هم تعریف مشخص و واضحی برای جایگاه افراد حاضر در این نوع از روابط وجود ندارد؛ به این معنا که اگرچه افراد شرکت کننده در این نوع از روابط کلیت این رابطه را به عنوانی بخشی از فرهنگ مدرنیته پذیرفته اند، اما با شرایط و قوانین حاکم بر آن کنار نیامده اند.

«به خاطر دوست داشتن طرف مجبور بودم جلوش کوتاه بیاوم. به مرور زمان متوجه شدم که انگار داره هویت من عوض میشه، مثلا اینجوری بودم که باید برم جایی، گزارش بدم. یه جوری کنترل می شم، جلو پیشرفتم داره گرفته میشه. یعنی من خیلی جاها باید می رفتم مثلا می خواستم کار کنم در زمینه کاری یا هر چیزی که بود و خب اجازه به من داده نمی شد و بعد کم کم دیگه به دعوا کشیده می شد (شرکت کننده شماره ۹)».

• چالش های بیرون رابطه

از جمله عوامل خارجی که از بیرون وارد شده و بر کیفیت رابطه اثر می گذارند می توان به دخالت و کنار نیامدن خانواده ها، عدم پذیرش فرد از طرف دوستان و یا خانواده، ایجاد مزاحمت و دخالت همسایه ها، دوستان و غیره و عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده ها اشاره کرد.

جدول ۳: چالش های بیرون رابطه

کدها	طبقه فرعی	طبقه اصلی
کنار نیامدن خانواده	عدم پذیرش	چالش های بیرون رابطه
طرد از طرف دوستان یا خانواده		
عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده		
دخالت خانواده	دخالت دیگران	
ایجاد مزاحمت و دخالت همسایه ها، دوستان و غیره		

عدم پذیرش

اگرچه در سال های اخیر این نوع از روابط در بین برخی از جوانان در حال حل شدن می باشد، اما در بین نسل های پیشین یعنی والدین این افراد هنوز مورد پذیرش قرار نگرفته است. عدم پذیرش این نوع از

روابط توسط خانواده ها و جامعه خود موجب بروز و شکل گیری مشکلات و چالش هایی برای کنشگران درگیر در روابط می شود.

«توی رابطه خانواده ها خیلی مشکل ایجاد می کردن، نه خانواده من و نه خانواده اون هیچ کدوم این نوع رابطه را قبول نداشتند. مادرم می گفت که با دوست پسرت خانه ما نیا همسایه ها حرف در می آورند (شرکت کننده شماره ۵)».

• تعلیق خود

به دلیل افزایش سن ازدواج و عدم تامین نیازهای جنسی، افراد برای تامین این نیازها در قالب رابطه ای غیر از رابطه تعریف شده از طرف جامعه هستند که این مسئله به دلیل تابو بودن رابطه جنسی و ضرورت حفظ بکارت برای دختران، مشکلاتی را به همراه خود به وجود می آورد. از جمله می توان به ترس از دست دادن بکارت، ابتلا به بیماری های جنسی و جسمی، ترس از برچسب خوردن، ترس از دست رفتن رابطه و غیره اشاره کرد.

جدول ۴: تعلیق خود

کدها	طبقات فرعی	طبقه اصلی
ورود به رابطه جدید بدون وقفه زمانی	سیالیت و ابهام	تعلیق خود
درگیری در روابط زودگذر		
سرگردانی در روابط متعدد		
رابطه بدون وجود علاقه		
احساس سردرگمی بعد از چند رابطه		
احساس پشیمانی از رابطه	ترس از آینده	
ترس از برچسب خوردن		
ترس از مواجهه با مسئله پس از بکارت زدایی		
سرزنش خانواده و اطرافیان		
ایجاد مشکلات جسمی	دغدغه های جسمانی و سلامتی	
احتمال بیماری های مقاربتی		
نفرت از بدن		
بدبین شدن به جنس مخالف	تزلزل اعتماد	
ترس از ضربه خوردن بیشتر		

سیالیت و ابهام

دنیای مدرن امروز، دنیای روابط ناپایدار و گسستنی است؛ روابطی که به راحتی شکل می‌گیرند و پس از گذشت زمان کوتاهی به سرعت فسخ می‌شوند. این ناپایداری و با دوام نبودن روابط باعث ایجاد ناامنی در کنشگران می‌شود، چرا که هیچ قطعیت و تضمینی وجود ندارد که موجب ایجاد امنیت و آرامش برای فرد شود. از طرفی برای کنشگرانی که در پی تن دادن به مسئولیت سنگین تعهد و رابطه طولانی مدت نیستند، راحتی خیال را به ارمغان می‌آورد. در واقع بسیاری از کنشگران امروز به دنبال روابطی هستند که در آن‌ها آزادی شان سلب نشود. در پژوهش حاضر نیز شرکت کنندگان به سیالیت روابط و احساس سردرگمی ناشی از آن‌ها اذعان داشته‌اند.

«همه شون خیلی بهم چسبیده بودن؛ یعنی مثلاً فک کن اولی تموم شد، یک ماه و خورده ای بعد دومی شروع شد. اون تموم شد، یعنی دقیقاً توی یه فاصله دو هفته ای، سومی شروع شد... (شرکت کننده شماره ۱)».

ترس از آینده

شیوع و افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج خود مستلزم کم رنگ شدن مسئله باکرگی به عنوان هنجاری ارزشمند است که در وضعیت کنونی جامعه ما این مسئله به وضوح قابل مشاهده است. افزایش این نوع از روابط و به حاشیه رانده شدن موضوع باکرگی خود سبب بروز مسائل و مشکلاتی برای دختران شده است. به عنوان مثال، می‌توان به پشیمانی فرد از برقراری رابطه جنسی اشاره کرد که باعث بروز مشکلاتی از جمله ازدواج فرد در آینده اشاره کرد. در پژوهش حاضر نیز شاهد پشیمانی بعضی از شرکت کنندگان هستیم که در پی آن باعث ایجاد مشکل برای فرد شده است.

«توی رابطه احساس پشیمونی می‌کردم با اینکه دوستش داشتم. با اینکه الان می‌گم یه تجربه ست، واقعا حس می‌کردم یه شکست بود برام. نباید مثلاً این کار رو می‌کردم، نباید سمتش می‌رفتم تو تنهاییام، گریه می‌کردم و ناراحت می‌شدم (شرکت کننده شماره ۱۱)».

دغدغه های جسمانی و سلامتی

از جمله معایب برقراری روابط جنسی نامتعارف می توان به بروز مشکلات و عوارض جسمانی و روانی برای فرد اشاره کرد که چرخه طبیعی زندگی وی را دچار اختلال می کند. این عوارض می توانند به صورت گذرا و دوره ای همچون ایجاد افسردگی در فرد، از دست دادن اعتماد به نفس و غیره و یا به صورت دائمی و همراه با مشکلات جدی ظاهر شوند، به عنوان مثال، احتمال ابتلا به بیماری های مقاربتی، وقوع بارداری های ناخواسته، سقط جنین و غیره اشاره کرد که برای فرد مخاطرات بسیاری را به همراه می آورند. در واقع، وقوع مشکلات جسمانی و سلامتی برای دختران به مراتب از پسران حادث تر بوده و آن ها را به واسطه نظارت و کنترل بیشتر از جانب خانواده و جامعه در شرایط سخت تری قرار می دهد.

«با دعوا از هم جدا شدیم، چون که یه بیماری جنسی رو به من انتقال داد. بعد زیر بار نمی رفت، در صورتی که دکتره گفت که او به شما انتقال داده. بعد اون به من تهمت زد تو با یکی دیگه هم رابطه داشتی به من چه. برای همین برام خیلی سنگین تموم شد و جدا شدم ازش (شرکت کننده شماره ۱۵)».

تزلزل اعتماد

یکی از دلایلی که دختران را به قبول رابطه جنسی با جنس مخالف متمایل می کند این است که ضمن رسیدن به شناخت از جنس مخالف و ارضای نیازهای عاطفی و جنسی شان بتوانند از این طریق محبت فرد را برای خود حفظ کنند و در رابطه ای با کیفیت بهتر و حتی بلند مدت تر که احتمال رسیدن به زندگی مشترک را برای طرفین افزایش می دهد، درگیر شوند. از این رو برای آن عده از دخترانی که از ابتدا هم با رغبت و تمایل قلبی وارد این شکل از رابطه نشده بودند و مسئولیت برقراری رابطه را آگاهانه و با خواست صد درصدی نپذیرفته بودند، احتمال ایجاد پشیمانی وجود دارد و همین امر خود باعث مشکلات عدیده ای برای آن ها از جمله بدبین شدن نسبت به جنس مخالف، ترس از ضربه خوردن بیشتر، عدم احساس امنیت و غیره می شود.

«احساس می کنم که رابطه داشتن با جنس مخالف یه ذره باعث شده که من بعد از اون ارتباطی که داشتم بدبین بشم به مردهایی که دور و برم هستن؛ یعنی بعد از اینکه من درواقع رابطه جنسی برقرار کردم دچار

یک چنین حسی شدم. ولی خب با اینکه خیلی هاشون نمی دونن، ولی هر کسی که میاد سمت من این نگاه و این دیدگاه در من به وجود میاد که این با یه همچین دیدگاهی اومده».

بحث و نتیجه گیری

براساس نظریه تغییرات فرهنگی، امروزه شاهد تغییراتی در نگرش ها و ارزش های افراد جامعه و متعاقب آن بروز بی هنجاری و آنومی در برخی حوزه ها هستیم که برقراری روابط جنسی پیش از ازدواج دختران در زمره این دسته از ناهنجاری ها قرار می گیرد. این نوع روابط کماکان به صورت پنهانی و در لایه های زیرین جامعه در حال وقوع است و همین امر نشان می دهد که حفظ بکارت هنوز هم به عنوان هنجاری ارزشمند در جامعه در نظر گرفته می شود و دختران به دلیل ترس از برچسب منحرف از طرف خانواده و جامعه به پنهان کاری در این زمینه روی می آورند. در این راستا نقش گروه دوستان و همسالان را نمی توان نادیده گرفت. در واقع، بودن در گروه دوستان با هنجارهای نامتعارف جامعه، در کنار داشتن خانواده با نگرشی سهل گیرانه سبب بروز انواع انحرافات از جمله انحرافات جنسی در جوانان می شود. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش می توان نتیجه گرفت که برخی از دختران در جامعه ما به عنوان کنشگرانی عامل دست به انتخاب می زنند و برقراری رابطه با جنس مخالف و متعاقب آن پذیرش مسئولیت این رابطه نیز از این قاعده مستثنی نیستند. با وجود تابو بودن مسئله و ممنوعیت بالای آن شاهد هنجارشکنی و به نوعی روند نوگرایی هستیم. به عبارت دیگر، دیگر مانند گذشته باکرگی به عنوان هنجاری ارزشمند حداقل برای قشر خاصی از دختران در نظر گرفته نمی شود و تحولات گسترده ای در این زمینه، اگرچه در لایه های زیرین جامعه و به صورت پنهانی در حال وقوع است.

هر رابطه ای می تواند دارای پیامدهای مثبت و منفی باشد که روابط دوست پسر- دوست دختری نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در این راستا طبقه اصلی «رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی» به عنوان پیامد مثبت برآمده از رابطه در نظر گرفته می شود که دارای دو طبقه فرعی «رشد فردگرایی» و «افزایش شناخت خود و دیگری» است. در دهه های اخیر شاهد تغییر نگرش زنان نسبت به مقوله بدن و لذت فردی بوده ایم؛ به طوری که امروزه زنان نیز مانند مردان برای خود حقی نسبت به مالکیت بر بدن خود قائل هستند و در این زمینه عاملان به برخورد می کنند.

برقراری رابطه با جنس مخالف نیز بسته به هدف و خواسته ای که طرفین از آن دارند، می تواند کنشگران را در رابطه درگیر کند و زمان و انرژی زیادی را از آن ها بگیرد و موجب رشد آن ها در کنار یکدیگر شود و به رابطه جهتی متفاوت بدهد و یا به صورتی مخرب خساراتی را به افراد درگیر در رابطه وارد کند و تجربه ای تلخ را برای آن ها به جای بگذارد. همچنین اگر اثرات حاصل از رابطه به صورت مثبت باشند، افراد می توانند به شناخت نسبت به خود و یا دیگری نائل آیند. براساس اصل «توسعه و تداوم روابط در ارتباط میان فردی»، ارتباط تنها به منظور انتقال معانی انجام نمی گیرد، بلکه به تولید معانی و مبادله شناخت های دیگر نیز منجر می شود. به عنوان مثال، دختر و پسر که با هم صحبت می کنند، علاوه بر بیان انتظارات از یکدیگر، شکل برخورد با طرف مقابل، سطح دوستی شان را نیز تعیین می کنند و بر این اساس می آموزند که چگونه یکدیگر را راضی نگه دارند و اختلافات موجود را حل کنند. از این رو نمی توان ارتباطات انسانی را ایستا در نظر گرفت و سطح پیش روی در آن ها را تعیین کرد (جوکار، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر شرکت کنندگان بیان داشتند که برقراری این نوع از روابط برای آن ها دستاوردهایی نیز به همراه داشته است؛ از جمله: افزایش اعتماد به نفس جهت ارتباط با جنس مخالف، کسب تجربه، برخورد منطقی و معقول با رابطه، رشد فکری، اجتماعی و غیره.

یکی از مضامین اصلی به دست آمده در پژوهش حاضر، «چالش های درون رابطه» است که دارای سه مضمون فرعی «عدم تفاهم»، «زوال رابطه» و «مالکیت مردانه» می باشد. این مضمون نشان می دهد که دختران جوان در برقراری دوستی و روابط جنسی پیش از ازدواج با پسران با چالش های بین فردی مواجه هستند. عدم تطابق فکری، فرهنگی، اجتماعی و غیره یکی از مواردی است که باعث ایجاد مشکل برای دختران درگیر در این نوع از روابط شده بود. از جمله رفتارهای تنش زای جنس مخالف که دختران به عنوان چالش های بین فردی بر آن ها تاکید داشتند، می توان به قهر کردن، کنترل کردن طرف رابطه، رفتارهای بچه گانه، حساسیت بیش از حد، زود رنج بودن، جا به جایی نقش ها، دعوا کردن و غیره اشاره کرد.

براساس مضمون فرعی «زوال رابطه»، یکی دیگر از مشکلات درونی مرتبط با رابطه، به عدم صداقت و پنهان کاری، خیانت و تلاش نکردن طرفین جهت پیشبرد رابطه مربوط می شود. در واقع زمانی که اهداف پسران و دختران جهت برقراری ارتباط و تشکیل رابطه از دو سنخ کاملاً متفاوت و گاه بی ربط به یکدیگر باشند،

بروز این نوع مشکلات و چالش ها چندان دور از انتظار نخواهد بود. به عبارت دیگر، هدف اولیه برای برقراری ارتباط با جنس مخالف از دیدگاه پسران بیشتر تامین نیازهای جنسی و در درجه دوم، نیازهای عاطفی قرار دارد، در حالی که برای دختران تامین نیازهای عاطفی در درجه اول اهمیت و بعد از آن نیازهای مالی، جنسی و غیره قرار دارند. از طرف دیگر، همین تفاوت در اهداف و خواسته ها سبب بروز مشکلات دیگری نیز می شوند. به عنوان مثال، زمانی که پسران اولویت اول را به تامین نیازهای جنسی بدهند، همین امر سبب می شود که در راستای تامین این نیاز به پنهان کاری و دروغ و حتی خیانت نیز اقدام کنند، در حالی که در همین زمان دختران برای کیفیت و حل مشکلات تلاش می کنند تا وقت و انرژی که برای رابطه سرمایه گذاری کرده اند به نتیجه مطلوب تری برسد و این تضاد در اهداف و خواسته ها طرفین درگیر در رابطه را رو در روی هم قرار می دهد و مشکلات موجود را دو چندان می کند. گیدنز در رابطه ناب نیز به تغییر ارتباطات انسان‌ها اشاره می کند و معتقد است: «آنچه هم اکنون برای افراد مهم است، خود رابطه، تعهد و صمیمیت و اعتماد است، نه مزایای اقتصادی و اجتماعی و چون افراد در رابطه صمیمیت و اعتماد ندارند، روابط پایان می یابد» (گیدنز، ۱۳۹۳).

«مالکیت مردانه» مضمون فرعی دیگری است که درصدد بیان تقابل بین سنت و مدرنیته در روابط دوست پسر- دوست دختری است که خود بخشی از فرهنگ مدرنیته و فرآیند صنعتی شدن است. اگرچه کنشگران جوان جامعه ما نیز در راستای فرآیند صنعتی شدن این نوع از روابط را پذیرفته اند، اما به دلیل اینکه هنوز هم برای این نوع از روابط تعریف مشخصی وجود ندارد، این پذیرش به صورت کامل و درست صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، از آنجا که فرهنگ حاکم بر جامعه ما، مردسالار می باشد، این امر سبب شده است تا در موقعیت هایی که برآمده از فرهنگ مدرنیته هستند این تضادها به وضوح خود را نمایان سازند. به عنوان مثال، می توان به روابط دوست پسر- دوست دختری اشاره کرد که اگرچه در سال های اخیر به صورت قابل ملاحظه ای در میان نسل جوان افزایش داشته است، اما اصول حاکم بر آن از سوی کنشگران مرد درگیر در رابطه پذیرفته نشده اند. به عبارت دیگر، مردان خواهان برقراری این نوع از روابط و تامین نیازهای جنسی، عاطفی و غیره خود هستند و واقف به محدودیت های این نوع از روابط از جمله کوتاه مدت، غیر رسمی بودن و غیره نیز می باشند، اما نقش خود را به عنوان دوست پسر و نه همسر پذیرفته و گاهی شاهد اعمال نفوذ بیجا و بیش از حدشان در تمامی حوزه های دختران درگیر در روابط و انتظار ایفای نقش های همسرانه از سوی آن ها هستیم. در پژوهش حاضر نیز شاهد پذیرش بیشتر این نوع از روابط و

قواعد حاکم بر آن از سوی دختران هستیم، در حالی که همین امر از طرف پسران با دشواری‌ها و سختی‌های بیشتری رو به روست. در واقع از آنجا که شرایط ازدواج برای دختران به مراتب سخت‌تر از پسران است و دختران با علم به این مسائل وارد رابطه‌ای می‌شوند که می‌دانند ممکن است در آینده برای ازدواج‌شان و مسائلی از این دست دردسر ساز شود، اما آن‌ها را پذیرفته و همین امر موجب می‌شود که از توانایی بیشتری نیز برای وفق دادن خود با قواعد و قوانین حاکم بر این نوع از روابط مدرن برخوردار شوند؛ در حالی که تطابق دادن خود با قوانین حاکم بر این نوع از روابط برای پسرانی که اغلب اوقات با چالش‌ها و محدودیت‌های بسیار کمتری در مقایسه با دختران و به دلیل بودن در جامعه‌ای مردسالار مواجه هستند به مراتب دشوارتر است و این مسئله موجب می‌شود که پسران کمتر خود را با شرایط موجود وفق دهند و بیشتر به فکر تغییر قوانین و قواعد حاکم بر رابطه باشند.

طبقه اصلی دیگری با عنوان «چالش‌های بیرون از رابطه» است که از جمله آن‌ها می‌توان به دخالت و کنار نیامدن خانواده‌ها، عدم پذیرش فرد از طرف دوستان و یا خانواده، ایجاد مزاحمت و دخالت همسایه‌ها، دوستان و غیره، عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده‌ها اشاره کرد. در پژوهش حاضر نیز اغلب مشارکت‌کنندگان به وجود مواردی از این دست که از بیرون رابطه بر کیفیت رابطه اعمال قدرت می‌کنند و سبب ایجاد مشکل و چالش در رابطه می‌شوند، اشاره کرده‌اند.

براساس طبقه فرعی «عدم پذیرش»، هم‌زمان با صنعتی شدن جوامع شاهد تغییرات چشمگیری در شکل و نوع روابط نیز هستیم. این مسئله قاعده‌ای جهان‌شمول است که شامل کشور ما نیز می‌شود. به عنوان مثال، روابط دوست‌پسر-دوست‌دختری که در سال‌های اخیر در کشور ما شیوع پیدا کرده‌اند از جمله لوازم مدرنیته هستند که دستاورد تعامل با کشورهای صنعتی شده غربی به شمار می‌آیند و هنوز در فرهنگ و جامعه در حال گذار ما تعریف مشخص و روشنی برای آن وجود ندارد. اگرچه این نوع از روابط در میان نسل جوان طرفداران خاص خود را دارد و نمی‌توان وجود این نوع از روابط و این دسته از کنشگران را انکار کرد، اما پذیرش این نوع از روابط غیر رسمی و غیر شرعی برای نسل‌های گذشته با مشکلاتی رو به روست و همین امر و تضاد موجود سبب می‌شود که با دخالت و عدم پذیرش این نوع از روابط از طرف خانواده‌ها مواجه باشیم. در واقع به میزان عدم پذیرش این نوع از روابط از سوی خانواده‌ها، شکل چالش‌ها و مشکلات ایجاد شده در رابطه نیز متفاوت خواهد بود. شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر نیز به وجود

این نوع عوامل خارجی اذعان داشته اند و بیشتر این مشکلات براساس گفته های آن ها برآمده از خانواده طرف درگیر در رابطه یعنی پسران بوده است و کمتر شاهد دخالت گروه دوستان، همسایه ها و غیره بوده ایم. به عبارت دیگر، هنوز هم پذیرش دوست دختر پسر به عنوان عروس برای خانواده های ایرانی همراه با سختی است و آن ها معتقدند که روابط دختر و پسر باید بر اساس مقررات و در چهارچوب ازدواج صورت گیرد و روابط خارج از این ازدواج را انحراف از ارزش ها و هنجارها قلمداد می کنند و آن ها را طرد می نمایند- در بخش یافته ها با کد طرد از سوی خانواده ارایه شده است. گافمن معتقد است وقتی فردی به عنوان کجرو برچسب می خورد، سرنوشت او تغییر می کند. بنابراین دیگران هستند که او را به سوی همنشینی با کجروان سوق می دهند. در نتیجه مجازاتی که قرار بود از انحراف جلوگیری کند، خود عامل انحراف بیشتر می شود (علیرضا نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۹-۱۶۰). در واقع یکی از دلایلی که این دسته از دختران را مجبور به پنهان نمودن این نوع از روابط می کند، فرار از برچسب منحرف یا کجرو است که چالش های موجود در رابطه را دو چندان می کند.

طبقه اصلی «تعلیق خود» با داشتن چهار طبقه فرعی «سیالیت و ابهام»، «ترس از آینده»، «دغدغه های جسمانی و سلامتی» و «تزلزل اعتماد» بیان می دارد که اگرچه برقراری ارتباط با جنس مخالف دارای جنبه های مثبت است، اما جنبه های منفی نیز دارد که گاه روح و روان و حتی جسم فرد را نیز تحت تاثیر خود قرار می دهد. در جامعه سیال مدرن، افراد هیچ گونه پیوند ناگسستنی و همیشگی ندارند و خواهان پیوندهای سست و بی قید و بند هستند و رابطه را نوعی سرمایه گذاری می دانند و در این رابطه انتظار منفعت دارند (باومن، ۱۳۸۴). در این پژوهش نیز مطابق با نظریه عشق سیال باومن، افراد برای رهایی از تعهد پیوندهای سستی را ایجاد می کنند و به محض یافتن فردی بهتر رابطه قبلی را پایان می دهند. سیالیت روابط در ارتباط با جنس مخالف رایج می باشد.

با توجه به بافت فرهنگی جامعه ما، برقراری رابطه با جنس مخالف برای دختران بیش از پسران همراه با هزینه ها و مشکلات است؛ چرا که با وجود کاهش میزان ازدواج و متعاقب آن افزایش آمارهای طلاق، نیازهای افراد نیز فرصت تامین شدن در قالب رابطه رسمی و شرعی را پیدا نمی کنند و همین امر سبب می شود که کنشگران رابطه های مدرن دوست پسر- دوست دختری خواهان تامین نیازهای بی پاسخ مانده و سرکوب شده خود در این نوع از روابط باشند و همین امر ریسک خطرهای برآمده از این نوع روابط را

برای دختران جامعه مردسالار ما در مقایسه با پسران به شدت افزایش می دهد. خطرات حاصل از این نوع از روابط برای دختران عبارت اند از: ترس از دست دادن بکارت، ابتلا به بیماری های جنسی و جسمی، ترس از برچسب خوردن، ترس از دست رفتن رابطه، بارداری های ناخواسته و غیره.

نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که برخی از مشارکت کنندگان از توانایی و خودکارآمدی لازم جهت مدیریت تعامل با جنس مخالف و نحوه برخورد صحیح بی بهره بودند و همچنین شرکت کنندگان به سیالیت، گذرا و کوتاه بودن روابط خود اذعان داشتند. باید توجه داشت که این سیالیت در روابط موجب ایجاد تنش، عدم امنیت و برخوردار نبودن از رابطه ای توأم با آرامش برای افراد درگیر در رابطه می شود و متعاقب با آن افراد جهت تسکین دهی به خود رابطه های کوتاه مدت متعدد و بدون کیفیت را تجربه خواهند کرد. همچنین نتایج حاصل از پژوهش حاضر با نتایج برآمده از پژوهش رحمانی و همکاران (۱۳۹۳) همسوست.

آشکار شدن برقراری رابطه جنسی دختران با جنس مخالف موجب برچسب منحرف خوردن آن ها از طرف خانواده و جامعه می شود و برای شان معضلات فراوانی را به بار می آورد. برخی از شرکت کنندگان پژوهش به دلیل از دست دادن بکارت، تجربه احساس عذاب وجدان، سردرگمی و پشیمانی داشتند و عده ای نیز به دلیل داشتن موقعیت ازدواج درصدد پیدا کردن راهکاری جهت رفع این مشکل برآمده بودند. مطابق با نظریه برچسب زنی، زمانی که فرد براساس هنجارها و ارزش های تعیین شده از طرف جامعه رفتار نمی کند، برچسب منحرف، مجرم و یا کجرو خورده و مستحق مجازات و جریمه می باشد (ستوده، ۱۳۹۶).

برقرار کردن روابط جنسی پیش از ازدواج در جامعه ما برای دختران به مراتب دارای مجازات ها و معضلات سنگین تری است و همین مسئله موجب شده است که دخترانی که در این زمینه دست به هنجارشکنی می زنند، به پنهان کاری روی آورند. در پژوهش حاضر نیز برخی از شرکت کنندگان اذعان داشتند که برقراری این نوع از روابط برای آن ها مشکلات جدی جسمانی و روانی ایجاد کرده است. به عنوان مثال، افسردگی، تشنج، عوارض پوستی، روی آوردن به سیگار، نفرت از بدن، ابتلا به بیماری های مقاربتی، بدبینی به جنس مخالف، احساس ناامنی و غیره از جمله مواردی بودند که شرکت کنندگان به آن ها اشاره نمودند.

در مجموع، پژوهش در زمینه مسائل مرتبط با روابط جنسی امری دشوار می باشد که این مسئله در کشور ما با توجه به بافت فرهنگی و تابویی بودن آن با سختی بیشتری همراه است. بنابراین جلب اعتماد و رضایت مشارکت کنندگان برای انجام مصاحبه زمان بر بود.

در راستای کاهش چالش های دختران درگیر در روابط جنسی با جنس مخالف پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

- فراهم کردن زمینه اوقات فراغت مناسب برای دختران؛
- ایجاد نگرش مثبت به ازدواج و تسهیل زمینه های آن از طریق راه اندازی مراکز همسان گزینی علمی و انجام مشاوره های رایگان قبل از ازدواج و کاهش هزینه های ازدواج؛
- آموزش نحوه تعامل مناسب والدین با فرزندان و پذیرش آن ها و ارائه حمایت های لازم؛
- برگزاری کلاس های آموزشی در زمینه شیوه تعامل صحیح با جنس مخالف، بیماری های مقاربتی و عفونی و سلامت جنسی.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی انحرافات*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت
- آزاد ارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین. (۱۳۹۰). «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران». فصلنامه خانواده‌پژوهی. سال هفتم، شماره ۲۸، ص ۴۳۵-۴۶۲.
- آزاد ارمکی، تقی و مسقطیان، بهمن. (۱۳۸۰). «تغییرات فرهنگی در استان مازندران (آزمون تجربی نظریه اینگلهارت)». پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی. شماره ۳، ص ۴۰-۱۳.
- باومن، زیگمونت. (۱۳۸۷). *اشارات های پست مدرنیته*. حسن چاوشیان. تهران: ققنوس
- بهروزیان، بهروز و حسنونند، احسان. (۱۳۹۵). «بازسازی معنایی روابط جنسی پیش از ازدواج: ارائه یک نظریه زمینه‌ای». مجله علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد). شماره ۲۸، ص ۱۸۷-۲۱۲.
- جوکار، محبوبه. (۱۳۹۲). «خانواده و پیشگیری از روابط ناسالم دختر و پسر». پژوهش‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده. سال اول، شماره ۱، ص ۸۱-۹۹.
- خلیج‌آبادی فراهانی، فریده. (۱۳۹۵). «فراتحلیل روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان در ۱۵ سال گذشته (۱۳۸۰-۱۳۹۴) در ایران». فصلنامه خانواده‌پژوهشی. سال دوازدهم، شماره ۴۷، ص ۳۶۷-۳۳۹.
- خلیج‌آبادی فراهانی، فریده؛ کاظمی پور، شهلا و رحیمی، علی. (۱۳۹۲). «بررسی تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه های تهران». فصلنامه خانواده‌پژوهشی. سال نهم، شماره ۳۳، ص ۷-۲۸.
- ذکایی، محمد سعید و شرعی نژاد، زکیه. (۱۳۹۵). «روابط جنسی پیش از ازدواج در میان جوانان؛ الگوها، انگیزه‌ها، پاداش‌ها و هزینه‌ها». مطالعات جنسیت و خانواده. سال سوم، شماره ۱.

- ذوالفقاری، ابوالفضل و رمضانی، اکرم. (۱۳۹۵). «آسیب شناسی روابط خارج از عرف دختران». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. شماره ۴.
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین. (۱۳۹۳). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. رحمت اله صدیق سروسناتی. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران
- رحمانی، اعظم و همکاران. (۱۳۹۳). «تبیین نقش خودکارآمدی دختران جوان بر مشارکت در رفتار مخاطره آمیز جنسی». مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت. سال چهارم، شماره ۱.
- زاهدی اصل، محمد؛ فتحی، منصور و محمد زاده، رقیه. (۱۳۹۷) «تجارب و چالش های دختران دارای سابقه هم خانگی یا همباشی». چکیده مقالات سومین همایش آسیب های اجتماعی کشور.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۹۶). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات). چاپ پنجم، تهران: انتشارات آوای نور
- علیرضا نژاد، سهیلا و همکاران. (۱۳۹۵). «برزخ تن، تناقض در هویت جنسی و جنسیتی: مطالعه ای در سازگاری اجتماعی ناراضیان جنسی». فصلنامه علوم اجتماعی. دوره ۲۳، شماره ۷۲، ص ۱۴۹-۱۹۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۳). تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید). ناصر موفقیان. چاپ نهم، تهران: نشر نی
- Kusaslan Avci, Dilek et al. (۲۰۱۶). “The determination of health school student`s knowledge, attitudes and behaviors on the matter of sexual health in Eastern Turkey”. Department of family medicine, Medical faculty of Yuzuncu Yil university, Eastern journal of medicine, Van, Turkey. ۱۳۷- ۱۳۱.
- Kvale, Steinar. and Svend و Brinkmann. (۲۰۰۹). **Interviews: Learning the Craft of Qualitative Research Interviewing**. Second Editions, Sage Publications
- Obiageli Anene, Jane et al. (۲۰۱۷). “Variables influencing premarital sex among secondary school adolescents in Anambra state, Nigeria”. Ebonyi

state university, Enugu state, Nigeria. Journal of community & public health nursing. Volume 3, Issue 4.

- Santhya, K.G et al. (2009). **Premarital sexual relations among youth in India: findings from youth in India: situations and needs.**
- Yip, Paul SF, Huiping Zhang, Tai-Hing Lam, Kwok Fai Lam, Antoinette Marie Lee, John Chan and Susan Fan. (2013). **Sex knowledge, attitudes, and high-risk sexual behaviors among unmarried youth in Hong Kong.** BMC Public Health, 13:691.
- Salleh Ali, Halim , Wan Abdul Manan, Wan Muda Azriani Abdul Rahman, Razlina Abdul Rahman, Shaiful Bahari Ismail, Mohd Ismail Ibrahim, Siti Hawa. (2012). **Factors Associated With Attitude Toward Premarital Sexual Activities Among School-Going Adolescents in Kelantan, Malaysia.**

Qualitative Research on Results of Relationship between Young Girls and the Opposite Sex

Mansour Fathi

Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'ii University, Tehran, Iran

Mohammad Taghi Karami Ghahi

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'ii University, Tehran, Iran

Marzieh Pour Esmaeili

Master Degree in Women Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'ii University, Tehran, Iran

Received: ۲۱ Jan. ۲۰۱۹

Accepted: ۳۱ Mar. ۲۰۱۹

Considering the increasing trend of premarital sexual activity among girls in recent years, the current study is to understand in-depth girls' experiences of premarital sexual relationships with the opposite sex and related consequences. This study utilized qualitative and phenomenological research methodology. Due to the qualitative nature of the study, a targeted sampling method (snowball sampling) was used. This study took into account the theoretical saturation criterion and conducted interviews with ۳۰ girls aged ۱۸ – ۳۱ years residing within the city of Tehran. Semi-structured interviews were conducted for data collection, and data were analyzed using either textual or thematic methods. The results were ultimately categorized into ۴ primary levels: problems and challenges within the relationship, problems and challenges outside the relationship, relationship as an opportunity for growth, and self-restraint. Based on the results of current study we can concluded that relationship with opposite sex can both have positive consequences included increased awareness towards oneself and towards others, and negative consequences included pessimism towards the opposite sex, fear of establishing relationships, development of physical problems, among others.

Key Words: Girls, Premarital Sex, Norm Violation, Relationship with the Opposite Sex and Lived Experience